مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۱، بهار ۱٤۰۱، شمارهٔ پیاپی ۲٦

DOI: 10.22067/JLKD.2022.76029.1094

بررسی چگونگی ترسیم مبانی هویت‌بنیاد در سخنرانی آئین تحلیف جو بایدن از رهگذر استعاره‌های مفهومی

سمیه شوکتی مقرب، دانش‌آموختهٔ دکتری زبان‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسندهٔ مسئول)
جلال رحیمیان استاد گروه زبان‌شناسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

صص: ۲۳۲-۲۰۹

چکیده

پژوهش پیش رو با بررسی استعاره‌های مفهومی در تحلیل سخنان آیین تحلیف در پی فهم چگونگی ترسیم مرزهای هویتی و دستیابی به مشروعیت از رهگذر استعاره‌های مفهومی است. بر این اساس، نظام معنایی استعاره (کووچش، ۲۰۱۰) و نظریه گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده می‌شوند تا چگونگی اثرگذاری این نظام معنایی بر دستیابی به مشروعیت همگانی فهم شود. برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، سخنرانی جو بایدن در مراسم تحلیف ریاست جمهوری در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ به عنوان مطالعهٔ موردی انتخاب شد. یافته‌ها مؤید این مفروض هستند که استعاره‌ها چارچوبی شناختی برای بیان آرای ایدئولوژیک فراهم می‌سازند. هر یک از استعاره‌های به‌کار رفته مفهومی را برجسته می‌سازند و مفاهیم بدیل را به حاشیه می‌رانند. رئیس جمهور از آمریکا در قالب استعارهٔ «ایکس شخص است» را در رویدادهای مختلف و با مفاهیم گوناگونی همانند آمریکا، دموکراسی و عدالت به کار می‌گیرد تا تمام ملت را با خود همراه کند، از نگرش حزبی فاصله بگیرد، به تمام ملت یک هویت واحد ببخشد، همه را با خود همراه کند و از نگرش حزبی فاصله بگیرد. بنابراین، یکی از کارکردهای استعاره در گفتمان بایدن هویت‌بخشی به یک موجودیت واحد و قراردادن مفاهیم دگرسازانه در پس‌زمینه است. به این ترتیب، باید گفت استعاره ابزاری است که به گفتمان‌ها کمک می‌کند از دگرسازی‌های صریح و آشکار دوری کنند. از رهگذر استعاره‌های مفهومی کم‌ترین برون‌گروه‌ها و

تاریخ دریافت :۱۴۰۱/۰۱/۱۳ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

پست الکترونیکی: 1. s.shokati@shirazu.ac.ir 2. Jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

بیش‌ترین درون‌گروه‌ها در صورت‌بندی گفتمان‌ها رخ می‌دهد. بایـدن بـا چنـین ابزارهـایی تلاش کرد تا گفتمانی را به تصویر بکشد که به دنبال جلب توجـه حـداکثری و اجتنـاب از طرد دگرهای بالقوه است.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان، مفصل‌بندی، مشـروعیت‌بخشـی، اسـتعاره‌هـای مفهـومی، جـو بایدن، آئین تحلیف.

۱. مقدمه

سیاست دغدغهٔ کسب، حفظ و دوام قدرت دارد؛ سیاست به این می‌پردازد که منابع چگونـه تخصیص داده می‌شـوند و کـنش‌هـای سیاسـی چگونـه در جهـت مقاصـد و اهـداف از پـیش تعیین‌شده به صف می‌شوند. مقامات سیاسی، در هر جایگاهی به کلمات وابسته‌اند؛ کلماتی کـه به نحوی بتوانند جایگاه‌شان را تقویت و جایگاه رقبای‌شان را متزلزل سـازند. هـر چـه جوامـع گسترده‌تر و دموکراتیک‌تر شوند، راه طـولانی‌تـری در متقاعـدکردن پیـروان بـالقوه‌ای پـیش رو دارند که باید به این سیاست اعتماد کنند. رأی‌دهندگان با اتکای بر قضـاوتی کـه از صـداقت و اخلاق‌مداری سیاست‌مـداران مـی‌کننـد، دسـت بـه تصـمیم‌سـازی مـی‌زننـد و بـا انتخـاب آن سیاست‌مـدار بخشـی از مشـروعیت و مقبولیـت را بـه او مـی‌بخشـند. بخـش دیگـری از ایـن مشروعیت با نشستن بر کرسی ریاست جمهوری و در طول دوره ریاسـت امکـان تحقـق پیـدا می‌کند.

اولین گامِ به دست آوردن بخشی از این مقبولیت مردمی در سخنرانی آئین تحلیف برداشـته می‌شود. سیاست‌مدار باید بداند که برای اثرگذاری بیش‌تـر بایـد از چـه ابـزاری اسـتفاده کنـد. راهبردهای کلامی از جمله چگونگی انتخاب اسـتعاره‌هـای مفهـومی لازمـهٔ اغـواگری هسـتند. استعارهٔ مفهومی یکی از ابزارهایی است که یک الگوی اندیشگی را از میان شماری از الگوهای اندیشگی متمایز می‌کند. حال باید دید که آیا این الگوهای متمایز می‌توانند یک گفتمان سیاسـی را به جایگاه اسطوره[1] و تصور اجتماعی[2] برسانند و نگاهی نسبت به مرزهای خود[3] و دیگـری[4]

1- myth
2- social imagination
3- self
4- other

آن فراهم کنند یا خیر. این جایگاهی است که لاکلا[1] و موف[2] (۲۰۰۱) از آن سخن می‌گویند. آن‌ها (۲۰۰۱) معتقدند گفتمانی به هژمونی می‌رسد که بتواند مقبولیت عام را از آن خود کند.

این جستار در نظر دارد از ابزار معنایی استعاره[3] استفاده کند تا امکان دستیابی به این مقبولیت و مشروعیت و کسب جایگاه تصور اجتماعی را ارزیابی کند. به منظور فهم امکان عملیاتی‌شدن این چارچوب تلفیقی تحلیل شناختی گفتمان، سخنرانی جو بایدن[4] در مراسم تحلیف به‌عنوان مطالعهٔ موردی بررسی می‌شود. این پژوهش از یک سو به دنبال ارزیابی امکان تلفیق استعاره‌های مفهومی و نظریهٔ گفتمان لاکلا و موف (۲۰۰۱) با تأکید بر مؤلفهٔ هویت (خود و دیگری) است و از سوی دیگر در نظر دارد به این پرسش پاسخ بدهد که رئیس جمهور منتخب ایالات متحدهٔ آمریکا با چنین تلفیقی چگونه دست به مفهوم‌سازی می‌زند و چه تصویری از این گفتمان به نمایش گذاشته می‌شود. در ادامه، پس از پیشینهٔ پژوهش، مفاهیم مرتبط با چارچوب نظری پژوهش، تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در این بخش با نگاهی به برخی از آثار عرضه‌شده به دو زبان انگلیسی و فارسی، برخی از نگرش‌ها به تحلیل گفتمان مبتنی بر استعاره ارائه می‌شوند.

رضاپور (۱۳۹۰) نقش استعاره را در بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی در رسانه‌ها با کاربست رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی[5] مورد مطالعه قرار می‌دهد. رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک[6]، شناختی لیکاف[7] و استعارهٔ گفتمانی کامرون[8] به‌کار بسته می‌شود تا روزنامه‌های رسالت، کیهان، ایران، مردم‌سالاری و آفتاب یزد واکاوی شده، استعاره‌های آن‌ها استخراج و چگونگی بازنمایی ایدئولوژی و همین‌طور برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های ایدئولوژیک در این روزنامه‌ها فهم شود. **رضاپور و احمدی** (۱۳۹۵) کارکردهای استعارهٔ دستوری اسم‌سازی را در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی با مطالعهٔ موردی روزنامه‌های گاردین، تلگراف،

1- Laclau, E.
2- Mouffe, Ch.
3- metaphor
4- Joe Biden
5- Critical Discourse Analysis (CDA)
6- Van Dijk, T.
7- Lakoff, G.
8- Cameron, L.

نیویورک‌تایمز، کیهان، قدس و شرق مورد سنجش قرار می‌دهند. رویکرد ون‌دایک از جنبهٔ تحلیل گفتمان انتقادی به کار بسته می‌شود و چگونگی حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی‌های گفتمانی با توجه به کارکرد استعاره اسم‌سازی بازنمایی می‌شود. **افخمی و شکیبا** (۱۳۹٦) تلاش دارند با استفاده از ترکیب روش‌شناختی لیکاف و کاربردشناختی کامرون به‌صورت رویکردی تلفیقی، به تحلیل انتقادی استعاره در متون سیاسی روزنامه‌های متقابل مردم‌سالاری و کیهان در ایران و میرر و تلگراف در انگلستان بپردازد. هدف این پژوهش آشکارساختن تفاوت‌ها و شباهت‌های میان حوزهٔ استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی گفتمان‌های رقیب در هر کشور و رسانه‌های احزاب مهم سیاسی ایران و انگلستان از منظر گفتمان انتقادی است. **رضائی‌پناه و شوکتی مقرب** (۱۳۹۷) به دنبال تحلیل اظهارات دو رییس‌جمهور امریکایی هم-عصر با توافق برجام، باراک اوباما و دونالد ترامپ، می‌باشند. بر اساس یافته‌ها برجام برای اوباما در سطح دستاوردها و منتج از نگاه دموکراتیک و نرم‌افزاری به مساله هویت و خصومت-سازی بوده و این در حالی است که برای ترامپ این موضوع در حوزهٔ مبانی سلبی هویت قرار دارد.

از میان پژوهش‌های انجام‌شده به زبان انگلیسی نیز موسلف[1] (۲۰۱۲) استعاره را به عنوان بخشی از تحلیل گفتمان انتقادی مطالعه می‌کند. این‌که استعاره به عنوان ابزار بنیادین مفهوم‌سازی چگونه می‌تواند معناسازی گفتمانی در بافت اجتماعی را انجام دهد، موضوعی است که مورد کاوش قرار می‌گیرد. نونزپروچا[2] (۲۰۱۱) بیان می‌کند که ترکیب تحلیل گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی شناختی[3] می‌تواند ابزار قدرت‌مندی را برای پژوهش‌های ایدئولوژیک فراهم آورد. او بر نقش مفهومی استعاره متمرکز می‌شود که چگونه دیدگاه‌های سیاسی متفاوتی را برساخته یا مسائل سیاست خارجی را با قالب‌بندی مفاهیمی مانند جنگ و وحشت تحت تاثیر قرار می‌دهد. چارتریس‌بلک[4] (۲۰۱۳) نیز تلاش دارد چارچوب کارآمدی برای تحلیل گفتمان سیاسی فراهم آورد. او مجموعه‌ای از ابزارهای تحلیلی را برای واکاوی گفتمان و استعاره در سطح سیاسی ارائه می‌کند و به گفتمان سیاسی باراک اوباما و دیوید کامرون می‌پردازد.

1- Musolff
2- Núñez-Perucha, B.
3- Cognitive linguistics
4- Charteris-Black, J.

در بعدی دیگر، با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص تحلیل گفتمان سخنرانی‌های مراسم تحلیف می‌توان به شوکتی مقرب و رحیمیان **(۱۳۹۹)** اشاره کرد که نخستین سخنرانی پس از انتخابات رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران، امریکا و فرانسه را بررسی کرده‌اند. نیک‌ملکی و رضوی‌زاده (۱۳۹۹) نیز چرخش گفتمانی قدرت در ایران را با تحلیل مراسم تنفیذ و تحلیف حسن روحانی از نگاه شبکه‌های خبری بین‌المللی تحلیل کرده‌اند. ساندور[۱] (۲۰۰۲) از تحلیل‌های پیکره‌بنیاد در جهت واکاوی سخنرانی‌های مراسم تحلیف استفاده می‌کند و به تحلیل واژه‌های خاص می‌پردازد و هرناندز ویلا[۲] (۲۰۱۵) سخنرانی مراسم تحلیف اوباما در سال ۲۰۰۹ و در اولین دورهٔ ریاست جمهوری‌اش را بررسی می‌کند. صحراگرد و مقدم (۲۰۱۵) نیز با بررسی سخنرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری روحانی در مراسم تنفیذ، از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی ایدئولوژی نهفته در این سخنرانی را واکاوی کردند تا دریابند که گفتمان روحانی به کدام گفتمان، اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا تعلق دارد.

نگاهی به آثار برجسته و در دسترس عرضه‌شده در حوزه‌های مختلف گفتمانی و شناختی بر لازمهٔ ارائهٔ الگویی کارآمد و فراگیر در تحلیل سطوح مختلف تأکید دارد. این نیاز پژوهش پیش رو را به این سمت و سو هدایت می‌کند تا در پی ارائهٔ الگویی تلفیقی، گویا و پویا باشد؛ الگویی که در عین استفاده از ابزارهای گفتمانی و شناختی تمام سطوح زبانی را در نظر بگیرد و هر سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین فرکلاف (۱۹۹۵)[۳] را در نظر بگیرد.

۳. چارچوب نظری

مبانی نظری این پژوهش را مفاهیم مرتبط با استعارهٔ مفهومی و پیوند آن با تحلیل گفتمان شکل می‌دهد. همان‌گونه که بیان شد، بنای این پژوهش بر فهم چگونگی اثرگذاری مفاهیم استعاره‌بنیاد در تبیین نگرش‌های گفتمانی است. بنابراین، هر یک از این مفاهیم در این بخش ارائه می‌شوند تا چگونگی اثرگذاری متقابل‌شان در بخش تحلیل داده‌ها فهم شود.

1- Sandor, C.

2- Hernández Vila, D.

۳- لاکلا و موف (۲۰۰۱) مدل سه سطحی فرکلاف را مکمل نظریهٔ خود می‌دانند؛ با توجه به این‌که ابزارهای شناختی به نسبت الگوی فرکلاف کارایی بیش‌تری در تحلیل داده‌ها دارند، در این پژوهش افزون بر استفاده از مفاهیم فرکلاف در دسته‌بندی تحلیل‌ها، ابزارهای شناختی جهت تحلیل داده‌ها استفاده می‌شوند.

۳-۱. تحلیل گفتمان از منظر لاکلا و موف (۲۰۰۱)

لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۰۵–۱۱۳) «گفتمان را تعامل مفصل‌وار نشانه‌هایی می‌داند که موقعیت‌های کاملاً متفاوت را پیکربندی می‌کنند». در این معنا گفتمان اساسی‌ترین ردهٔ تحلیل بنیادهای نظری و کنش‌های عینی است. آن‌ها (۲۰۰۱) گفتمان را به‌عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده تعریف می‌کنند؛ بر این پایه، گفتمان سپهری نحوی است که در آن واژه‌ها و دال‌ها در ارتباطی به‌هم‌پیوسته قرار می‌گیرند تا مجموعه‌ای معنامند را ایجاد کنند.

بر اساس تعریف لاکلا و موف (۲۰۰۱)، گفتمان تمامیت نسبی برآمده از کنش‌های مفصل‌بندی[1] است. این تعریف بر این دلالت دارد که مقولهٔ گفتمان قابل تقلیل به تبادلات متنی یا کلامی نیست بلکه جنبه‌های زبان‌شناختی و غیرزبان‌شناختی بازی‌های زبانی را به تصویر می‌کشد. لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۰۵) مفصل‌بندی را هر گونه کنشی می‌دانند که ارتباطی میان عناصر برقرار می‌کند، به صورتی که هویت‌شان در نتیجهٔ این کنش مفصل‌بندی تبیین می‌شود. بر این اساس، مفصل‌بندی فرایندی است که روابط میان ابژه‌ها را برقرار می‌کند یا تغییر می‌دهد و به این ترتیب، معنا و هویت‌شان تغییر می‌کند و به شیوهٔ خاصی تثبیت می‌شود.

گفتمان به‌عنوان تثبیت معنا در حوزه‌ای خاص درک می‌شود. تمام نشانه‌ها در گفتمان لحظه[2] هستند. نشانه‌های هر گفتمانی گره‌های یک تور ماهی‌گیری هستند که معنای‌شان از طریق تفاوت‌هایی که با همدیگر دارند (موقعیت‌های تفاوت) تثبیت می‌شود. هر گفتمانی به‌وسیلهٔ تثبیت جزئی معنا گرد دال کانونی خاصی شکل می‌گیرد (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۱۲). دال کانونی نشانه‌ای ممتاز است که دیگر نشانه‌ها گرد آن نظم می‌گیرند؛ دیگر نشانه‌ها معنای خود را از طریق ارتباط‌شان با دال کانونی کسب می‌کنند. یک دال کانونی در گفتمان سیاسی «دموکراسی» و در گفتمان‌های ملی‌گرایانه «مردم» است. گفتمان به‌مثابهٔ تمامیتی ساخت می‌یابد که در آن هر دالی به‌مثابهٔ یک لحظه و به‌واسطهٔ ارتباطش با دیگر دال‌ها تثبیت می‌شود. این امر

1- articulation

مفصل‌بندی به‌معنای ایجاد پیوند میان عناصر گفتمانی است. در این مفهوم، مفصل‌بندی کنش‌هایی مانند ایجاد پیوند میان واژه‌ها، جملات، روایت‌ها، متون، هویت‌ها و ایدئولوژی‌ها با یکدیگر را شامل می‌شود. مفصل‌بندی شیوهٔ خاص بهم‌دوختن عناصر در کنش کلامی است. «گفتمان به‌مثابه‌ی انسان» است که نشانه‌ها، دال‌ها و مدلول‌ها، مفصل‌های آن را شکل داده و قرارگیری‌شان در سامانهٔ نشانگانی این مفصل‌ها را بهم متصل می‌سازد. در واقع مفصل‌بندی ارتباط میان دال، مدلول و مصداق است (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲).

2- moment

با برون‌رانی[1] تمام معناهای ممکن دیگری انجام می‌شود که نشانه‌ها می‌توانند داشته باشند؛ یعنی برون‌رانی تمام راه‌های ممکنی که دال‌ها می‌توانند به یکدیگر مرتبط شوند. بنابراین، گفتمان تقلیل امکان‌ها است. در نتیجه گفتمان تلاشی در جهت خلق نظام معنایی یکپارچه است. تمام امکان‌هایی که گفتمان برون می‌رانـد را لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۱۱) حوزهٔ گفتمان‌گونگی می‌نامند.

۳-۱-۱. هویت (خود و دیگری)

هویت نظریهٔ گفتمان درک متفاوتی از هویت دارد. از از دید لاکلا، ساخت هویت اجتماعی کنشی از قدرت می‌باشد و این بدان دلیل است کـه هویـت قـدرت اسـت (لاکـلا، ۱۹۹۰: ۳۷). هویت‌ها از راه گفتمانی ساخته می‌شوند که تعین‌گرا نبوده و هویت‌ها را به فراورده‌های روابط قدرت تقلیل نمی‌دهد. هویت تغییرپذیر و چندتکـه اسـت. از آن‌جـا کـه هویـت‌هـای سیاسـی براساس تضادهای مبتنی بر هم‌ارزی (ما و آن‌ها) شکل می‌گیرند، بنابراین، یا ثبـات نسـبی پیـدا می‌کنند یا ناقص باقی می‌مانند (لاکلا و موف، ۲۰۰۱).

لاکلا و موف (۲۰۰۱) بر این باور هستند که خصومت اجتماعی هنگـامی رخ مـی‌دهـد کـه هویت‌های متفاوت متقابلا همدیگر را کنار بزنند. اگرچه یک سوژه هویـت‌هـای متفـاوتی دارد، اما این هویت‌ها نباید به صورت خصمانه‌ای به همدیگر مرتبط شوند». آن‌ها به این نکته اشـاره می‌کنند که «خصومت هنگامی یافت می‌شود که برخورد گفتمان‌ها صورت گیرد. خصـومت‌هـا ممکن است از راه مداخلات هژمونیک حل شوند. یک مداخلـه هژمونیـک یـک مفصـل‌بنـدی است که با استفاده از قدرت عدم ابهام را بازسازی می‌کنـد». لاکـلا (۱۹۹۰: ۵۱)، معتقـد اسـت دگرسازی و خصومت‌سازی برایند ازجاشـدگی اسـت کـه همانـا برآمـده از گسسـت سـاختار به‌وسیلهٔ نیروهایی است که بیرون از آن عمل می‌کنند. لاکلا و موف به این «بیرونی» تهدیدکننده «بیرونی سازنده[2]» می‌گویند و باور دارند که هر حـوزه از روابـط درونـی دربردارنـدهٔ ارجـاعی ضمنی به یک آنتاگونیسم اجتماعی بیرونی اسـت. بـراین اسـاس، هـر جامعـه‌ای صـورت‌هـای عقلانیت و فهم‌پذیری خاص خود را با تقسیم خود شکل می‌دهد؛ یعنی از رهگذر کنارگذاشتن هر گونه معنای دیگری که آن را واژگون می‌سازد (لاکلا و موف، ۲۰۰۱: ۱۳۷).

1- exclusion
2- constitutive outside

هویت در نسبت مستقیم با نشانهٔ کانونی و چگونگی قرارگیری دیگر نشانه‌ها و معانی به گرد آن نشانه در سامانهٔ نشانگانی است. از سوی دیگر، دیگری نقشی همانند اپوزیسیون و دولت در سایه را داشته و در پی مجالی است تا با مفصل‌بندی عناصر موجود در حوزهٔ گفتمان‌گونگی و یا نسبت‌دادن مدلول‌های دل‌خواه‌تر جامعه به دال‌های گفتمان مسلط، جایگزین آن در پهنهٔ حکومت گردد.

۲-۳. استعارهٔ مفهومی

در زبان‌شناسی شناختی، استعاره به عنوان درک یک حوزهٔ مفهومی بر حسب حوزهٔ مفهومی دیگر تعریف شده است. مثال‌های این تعریف شامل سخن گفتن و اندیشیدن دربارهٔ زندگی برحسب سفر، دربارهٔ مباحثه برحسب جنگ، دربارهٔ عشق برحسب سفر و دربارهٔ نظریه‌ها برحسب ساختمان است. نزدیک‌ترین راه فهم این دیدگاه از استعاره این است که بگوییم: حوزهٔ مفهومی الف حوزهٔ مفهومی ب می‌باشد که استعاره مفهومی خوانده می‌شود. یک حوزهٔ مفهومی هر گونه سازمان منسجمی از تجربه است. بنابراین، ما به شکلی منسجم دانش دربارهٔ سفر را سازماندهی کرده‌ایم که برای درک زندگی بر آن متکی هستیم (کووچش[1]، ۲۰۱۰: ٤). تعمیم‌سازی مهمی که از استعاره‌های مفهومی پدیدار می‌شود آن است که استعاره‌های مفهومی عموماً مفاهیم انتزاعی‌تر را به عنوان حوزهٔ مقصد و مفاهیم عینی‌تر یا فیزیکی را به عنوان حوزهٔ مبدا به کار می‌گیرند. استدلال، عشق، ایده و سازمان اجتماعی در مقایسه با جنگ، سفر، غذا و گیاه، همگی مفاهیمی انتزاعی هستند. تجربهٔ ما از جهان اطراف مبنایی طبیعی و منطقی برای درک حوزه‌های انتزاعی‌تر و هدف است (کووچش، ۲۰۱۰: ۷). بر مبنای دیدگاه استاندارد در چارچوب لیکاف و جانسون[2]، استعاره‌ها مبتنی بر تجربه‌های جسمی‌شده انسان هستند. به عنوان نمونه، ما به گرمی محبت می‌کنیم این دریافت به دلیل همبستگی در تجارب کودکی‌مان است که با آغوش گرم پدر و مادر همراه می‌شود. این تجربه استعاره مفهومی **محبت گرمی است** را به ما می‌دهد. اندیشیدن دربارهٔ محبت بر مبنای گرما به صورتی طبیعی از تجربهٔ جسمی‌شده ما برمی‌آید (کووچش، ۲۰۰۵: ۳).

1- Kövecses, Z.
2- Johnson, M.

بر مبنای دیدگاه زبان‌شناسی شناختی، استعاره دربردارندهٔ چندین مؤلفه است کـه بـه عنـوان جنبه‌های استعاره فهم می‌شوند. این مؤلفه‌ها عبارتند از (کووچش، ۲۰۰۵: ۱۱۷): حـوزهٔ مبـدا، حوزهٔ مقصد، مبنای تجربی، ساختارهای عصبی متناظر با حوزه‌هـای مبـدا و مقصـد در ذهـن، ارتباط میان مبدا و مقصد، بیان زبان‌شناختی استعاری، نگاشت، استلزام[۱]، آمیزش‌ها، تحقـق‌هـای غیرزبان‌شناختی و الگوهای فرهنگی. بـه گفتـهٔ لیکـاف و جانسـون آن‌چـه کـه یـک مفهـوم را استعاری می‌سازد (تا این‌که صرفاً زبان‌شناختی باشد) ایـده‌ای اسـت کـه انگیـزش اسـتعاری در سطح حوزه‌های مفهومی قرار دارد. به بیانی دیگر، لیکـاف و جانسـون ایـن پیشـنهاد را مطـرح می‌کنند که ما نه تنها در قالب اصطلاحات مفهومی سخن می‌گوییم بلکه در قالـب اصـطلاحات استعاری نیز می‌اندیشیم (اوانز[۲] و گرین[۳]، ۲۰۰۶: ۲۹۵).

۳-۳. مفهوم‌سازی استعاره در گفتمان

استعاره بخش مهمی از ایدئولوژی است و چارچوب شـناختی بـرای جهـان‌بینـی را فـراهم می‌کند. استعاره قابلیت حاشیه‌رانی یا برون‌رانی مفهوم‌سـازی‌هـای بـدیل را دارد. هنگـامی کـه استعاره‌ای به جای استعاره دیگری انتخاب می‌شـود، الگوهـای ایـدئولوژیک خاصـی برجسـته می‌شود (هارت[۴]، ۲۰۱۰). در بیان فرکلاف[۵] (۱۹۹۶: ۱۱۹) «استعاره‌ها از آن جهت مـورد توجـه تحلیل نقادانهٔ گفتمان هستند که استعاره‌های متفـاوت بـا برداشـت‌هـای ایـدئولوژیک متفـاوتی همراه هستند». نظام‌مندی‌ای که باعث می‌شود یک جنبـه از مفهـوم را برحسـب جنبـه دیگـری درک نماییم، لزوما دیگر جنبه‌های آن مفهوم را پنهان می‌سازد. استعاره بـا فـراهم کـردن امکـان تمرکز بر یک جنبه از یک مفهوم (به عنوان نمونه جنبه‌های مبارزه‌طلبی در بحث‌کردن) می‌تواند توجه ما را از تمرکز بر دیگر جنبه‌های یک مفهوم که با آن اسـتعاره ناسـازگار اسـت، منحـرف سازد. به عنوان نمونه، در میانه‌های یک بحث داغ، هنگامی که در پی هـدف قـرار دادن موضـع طرف مقابل برمی‌آییم و از موضع خودمان دفاع می‌کنیم، ممکن است از جنبه‌های همکـاری در مباحثه غفلت نماییم. کسی که با شما بحث می‌کند را می‌توان کسی در نظـر گرفـت کـه وقـت خود را در اختیار شما قرار می‌دهد، کالایی ارزشمند، در تلاش برای درک متقابل. امـا هنگـامی

1- Entailments
2- Evans, V.
3- Green, M.
4- Hart, Ch.
5- Fairclough, N.

که درگیر جنبه‌های منازعه می‌شویم، اغلب چشم خود را بر روی این جنبه‌ها می‌بندیم (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۰).

نکته‌ای که در این پژوهش مورد توجه است میزان مقبولیتی است که بایدن از رهگذر استعاره‌های مفهومی جویای آن است. هدف فهم نقش استعاره‌های مفهومی در ایجاد افسانه و تصور اجتماعی است. این تلفیق در این پژوهش به کار بسته می‌شود تا امکان ارائهٔ آن به عنوان یک چارچوب نظری کاربردی در تحلیل گفتمان‌های سیاسی ارزیابی شود.

۳-٤. روش پژوهش

این پژوهش در سه سطح به تحلیل داده‌ها می‌پردازد. نخست استعاره‌های مفهومی در سخنرانی بایدن در مراسم تحلیف استخراج و دسته‌بندی می‌شوند. در سطح تفسیر داده‌های به دست آمده تحلیل گفتمانی می‌شوند و سرانجام در سطح تبیین نقش استعاره‌ها در مفهوم‌سازی‌های هویتی بررسی می‌شود.

٤. تحلیل داده‌ها

بر مبنای آن‌چه گفته شد، در این بخش داده‌ها در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین دسته‌بندی و تحلیل می‌شوند.

۱-٤. سطح خرد توصیف استعاره‌های مفهومی

در این سطح استعاره‌ها شناسایی و براساس نوع استعاره و مفاهیم‌شان دسته‌بندی می‌شوند.

۱-۱-٤. ایکس انسان است

یکی از استعاره‌های شاخص در سخنرانی بایدن استعارهٔ «ایکس انسان است» می‌باشد؛ دموکراسی، ارادهٔ مردم، حقیقت، عدالت، ملت، ویروس، سیاره، تروریسم، افراطی‌گری، برتری نژادی، چالش، نیروها، امید، بومی‌گرایی، ایمان و عقل، آمریکا، قرمز و آبی همگی در قالب استعارهٔ انسان‌بودن مفهوم‌سازی می‌شوند. فرایند جان‌بخشی[1] به ما امکان می‌دهد تا دانشی که از خودمان داریم را در جهت درک دیگر جنبه‌های جهان، همانند دموکراسی، امید، عدالت و... به‌کار ببریم. لیکاف و ترنر[2] در پاسخ به این پرسش که چرا حوزهٔ مبدأ انسان برای فهم چنین

1- personification
2- Turner

حوزه‌های مقصدی به‌کار می‌رود، می‌گویند بـه ایـن دلیـل کـه **رخـدادها کـنش هسـتند**[۱]. مـا رخدادهای بیرونی را به مثابهٔ کنش درک می‌کنیم. برایند چنین درکی آن است کـه رخـدادها را فراوردهٔ یک عامل فعال و اراده‌مند تلقی می‌کنیم (کووچش، ۲۰۱۰: ٥٦). از آن‌جا کـه کـنش‌هـا عامل دارند، ما نیز رخدادها را به همان صورت می‌بینیم. نتیجـه چنـین فهمـی جـان‌بخشـی بـه رخدادهایی همانند تروریسم، حقیقت، ایمـان و... مـی‌باشـد. نمونـه‌هـایی از تجلـی انسـان در استعاره‌ها را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد[۲].

1. And, at this hour my friends, democracy has prevailed.
2. And here we stand just days after a riotous mob thought they could use violence to silence the will of the people, to stop the work of our democracy.
3. We face an attack on our democracy, and on truth.
4. Democracy and hope, truth and justice, did not die on our watch but thrive.

دموکراسی/ امید/ حقیقت/ عدالت انسان است. در مثال (۱) دموکراسی به پیروزی رسـیده است. در مثال (۲) ارادهٔ مردم انسانی است کـه دگرهـا تـلاش دارنـد از طریـق خشـونت آن را ساکت کنند و در همان مثال دموکراسی انسانی است که با دگرها مواجه می‌شود؛ دگرهـایی کـه به دنبال متوقف‌کردن فعالیت آن هستند. مثال (۳) نه تنها دموکراسی بلکه حقیقـت انسـان‌هـایی هستند که مورد حمله واقع می‌شوند. مثال (٤) دربردارندهٔ استعاره از انسانی است که یا می‌میرد و یا رشد می‌کند و شکوفا می‌شود. ویژگی‌های انسانی که به دموکراسی، امید و عـدالت نسـبت داده می‌شوند.

ملت انسان است. بایدن استعارهٔ انسان را دربارهٔ ملت نیز به‌کار می‌برد و در مثال‌های (۵) و (٦) از ملت به مثابهٔ انسانی سخن می‌گوید که توان دارد و بزرگ است.

1. And I know the resilience of our Constitution and the strength, the strength of our nation.
2. This is a great nation.

1- EVENTS ARE ACTIONS

۲- ترجمه تمام عبارت‌ها و جملات در ضمیمهٔ (۱) انتهای این نوشتار درج شده است. بدیهی است که در تحلیـل گفتمـان نمی‌توان از متون ترجمه‌شده به عنوان مبنای تحلیل استفاده کرد. به این دلیل به زبان اصلی مطالب استناد می‌شود.

ویروس دشمن است. این استعاره به پاندمی نیز بسط داده می‌شود و از ویروس به‌مثابهٔ دشمن سخن گفته می‌شود. در مثال (۷) ویروس دشمنی کشنده است که باید بر آن غلبه کرد و در مثال (۸) تمام ملت یکپارچه متحد می‌شود تا با دشمن خود، یعنی پاندمی، روبرو شود.

1. We can overcome the deadly virus.
2. We must set aside politics and finally face this pandemic as one nation, one nation.

سیاره انسان است. بایدن افزون بر این‌که تمام ملت را در برابر پاندمی متحد می‌سازد، از سیاره به‌مثابهٔ انسان سخن می‌گوید تا فراخوانی به سراسر جهان بدهد. سیاره در این استعاره انسانی است که برای بقای خود تلاش می‌کند. رئیس جمهور آمریکا در قالب این استعاره نگاه گسترده‌تر خود به کل مردم جهان را بازتاب می‌دهد.

3. A cry for survival comes from the planet itself

افراط‌گرایی/ برتری نژادی/ تروریسم/ چالش انسان است. بایدن هم ویژگی‌های مثبت و هم منفی را در قالب استعارهٔ انسان‌بودن مفهوم‌سازی می‌کند. در نمونه‌های (۱۰) تا (۱۲)، افراط‌گرایی، برتری نژادی، تروریسم، خشونت، بیکاری، بیماری، ناامیدی و چالش‌ها انسان‌هایی هستند که باید با آن‌ها مقابله کرد و بر آن‌ها غلبه کرد. فرایند مبارزه و مقابله در این موارد فرایندی جمعی است که همگان را به مبارزه دعوت می‌کند.

4. The rise of political extremism, white supremacy, domestic terrorism, that we must confront and we will defeat.
5. Uniting to fight the foes we face – anger, resentment and hatred. Extremism, lawlessness, violence, disease, joblessness, and hopelessness.
6. To overcome these challenges.

نیروها انسان هستند[1]. در این گفتمان نیروها نیز انسان‌هایی هستند که «ما» را از هم جدا می‌کنند. بنابراین، نیروهای خاصی وجود دارند که نظم موجود را مختل می‌کنند. رئیس جمهور کسی است که می‌تواند این عامل اخلال‌گر را شناسایی کند.

7. I know the forces that divide us are deep and they are real.

1- Forces as human beings

نیرو به عنوان انرژی یا توانی تعریف می‌شود که از جمله ویژگی‌های منتسب به کنش‌ها یا حرکت‌های فیزیکی به شمار می‌رود. این نیرو که از خوشه‌های معنایی توان و قدرت است با مفاهیم متداول در زبان فارسی از جمله نیروی نظامی متفاوت است. در این‌جا مفهوم انتزاعی نیرو به عنوان اعمال‌کننده انرژی و قدرت مد نظر است.

آمریکا انسان است. بایدن بارها از این استعاره استفاده می‌کند تا حوزهٔ مفهومی انسان را بر آمریکا نگاشت کند و از این طریق با جان‌بخشی به آمریکا، آن را به موجود واحدی تبدیل کند که قابلیت کنش‌گری دارد.

8. That America secured liberty at home and stood once again as a beacon to the world.
9. to secure the future of America.
10. Through a crucible for the ages, America has been tested a new and America has risen to the challenge.
11. America has been tested and we've come out stronger for it.
12. America's role in the world
13. I'll defend America and I will give all – all of you – keep everything I do in your service.

۲-۱-٤- استعارهٔ ایکس ساختمان است [1]

طبقه متوسط ساختمان است. در مثال (۲۰) طبقهٔ متوسط به‌مثابهٔ ساختمانی است که قابلیت بازسازی را دارد. rebuild کلیدواژه‌ای است که طبقهٔ متوسط را به ساختمانی توصیف می‌کند که می‌توان آن را بار دیگر بازسازی کرد. و در مثال (۲۱) **اتحاد ساختمان است**. اتحاد ساختمانی است که می‌توان آن را تعمیر کرد تا بتوان بار دیگر با جهان تعامل پیدا کرد. در گفتهٔ (۲۲) استعارهٔ **دوره ساختمان است**، دیده می‌شود. بر این اساس، دوره ساختمانی است که درهای مختلفی دارد و اکنون وارد تاریک‌ترین آن شده‌ایم.

14. we can rebuild the middle class.
15. We will repair our alliances, and engage with the world once again.
16. We're entering what may be the darkest and deadliest period of the virus.

۳-۱-٤. استعارهٔ ایکس نیرو است [2]

وحدت نیرو است. در مثال (۲۳) وحدت نیرویی است که به کمک آن می‌توان کارهای مهمی انجام داد. در مثال (۲٤) نیز **آمریکا منبع انرژی است** آمریکا نیرویی است که با اهداف جهانی به کار گرفته می‌شود.

17. With unity, we can do great things, important things.
18. we can make America once again the leading force for good in the world

1- X as building
2- X as force

٤-١-٤. استعارهٔ ایکس مسیر است[١]

در مثال (۲۵) **دموکراسی جاده‌ای پرپیچ و خم است.** در این‌جا دموکراسی بزرگراهی است که نیاز به گاردریل دارد. استعارهٔ دیگری که در این‌جا وجود دارد، ملت است؛ ملت گاردریل دموکراسی است. وحدت نیز در قالب استعارهٔ مسیر مفهوم‌سازی می‌شود. در مثال (٢٦) **وحدت راه است.** وحدت مسیری رو به جلو است. بنابراین هر کسی که خواهان حرکت به جلو باشد باید در این مسیر قرار گیرد.

19. And the guardrail of our democracy is perhaps our nation's greatest strength.
20. unity is the path forward.

٤-١-٥- استعارهٔ ایکس آتش است[٢]

در استعارهٔ مثال (۲۷) **عصبانیت آتش است** آتش حوزهٔ مفهومی مبدأ است که زمینه را فهم حوزهٔ مفهومی عصبانیت فراهم می‌کند. در مثال (۲۸) و در استعارهٔ **سیاست آتش است**، سیاست به مثابهٔ آتشی ویران‌گر توصیف شده است.

21. We can join forces, stop the shouting and lower the temperature.
22. Politics doesn't have to be a raging fire destroying everything in its path.

٤-١-٦- استعارهٔ ایکس گیاه است[٣]

ویروس گیاه رونده است. در نمونهٔ (۲۹) ویروس به گیاهی توصیف شده است که آهسته آهسته رشد می‌کند و همه جا را فرا می‌گیرد.

23. A once in a century virus that silently stalks the country has taken as many lives in one year as in all of World War Two.

٤-١-٧- استعارهٔ ایکس شیء فیزیکی است[٤]

براساس مثال (۳۰) **حقیقت شیء است.** بایدن همان‌طور که اشیای فیزیکی را دستکاری می‌کند، حقایق را نیز دستکاری‌شده توصیف می‌کند.

24. Every disagreement doesn't have to be a cause for total war and we must reject the culture in which facts themselves are manipulated and even manufactured.

1- X as path
2- X as fire
3- X as plant
4- X as physical object

۴-۱-۸- استعارهٔ ایکس کمک است[1]

در مثال (۳۱) و در قالب استعارهٔ **دست کمک است**، دست بیان می‌شود تا کمک‌کردن اراده شود. دست در هر دو رخداد خود حوزهٔ مبدئی است که بر حوزهٔ مفهومی کمک‌کردن نگاشت می‌شود تا بخشی از مفهوم آن را منتقل کند.

25.Some days you need a hand. There are other days when we're called to lend a hand.

۴-۱-۹- استعارهٔ ایکس رنگ است[2]

برخی استعاره‌ها برآمده از تجربهٔ های ما از طبیعت هستند و برخی دیگر از قراردادها و تداعی‌های قراردادی نشات می‌گیرند. رنگ‌ها از جمله این استعاره‌های مفهومی هستند که ناشی از قراردادها می‌باشند. همان‌طور که در پاره‌گفتار (۳۲) دیده می‌شود **رنگ حزب است**. احزاب سیاسی در آمریکا با دو رنگ آبی و قرمز شناسایی می‌شوند و در این‌جا نیز از لزوم پایان‌دادن به تقابل دو حزب سخن گفته می‌شود. این استعاره کاملاً قراردادی است و مبنایی در تجربه‌های طبیعی انسان ندارد.

26.We must end this uncivil war that pits red against blue…

۴-۲. سطح میانی تحلیل

تحلیل‌های سطح خرد استعاره‌های مفهومی نشان می‌دهد که استعارهٔ «ایکس انسان است» بیش‌ترین کاربرد را در سخنان بایدن داشته‌اند. این استعاره با جان‌بخشی به موجودیت‌های غیرانسانی امکان درک هرچه بیش‌تر آن‌ها را فراهم می‌کند. از رهگذر استعاره‌ها جامعه‌ای انسانی تشکیل می‌شود که یک سوی آن ارزش‌های مثبت از جمله عدالت و امید و حقیقت جای می‌گیرند و در جانب دیگر افراط‌گرایی و تروریسم قرار می‌گیرند. این استعاره‌ها نشان می‌دهند که این گفتمان با موجودیت مشخصی همراستایی ندارد بلکه آن‌چه در زنجیرهٔ هم‌ارزی و منطق تفاوت جای می‌گیرد اندیشه‌ها و کنش‌ها هستند. هر تفکری با برجسته‌سازی ارزش‌های عدالت‌طلبانه، حقیقت‌جویانه و در تضاد با برتری نژادی در درون‌گروه را شکل

1- X as help
2- X as color

می‌دهد. در سطحی دیگر، درون‌گروه این گفتمان کل جامعهٔ انسانی است که با موجودیتی از جنس پاندمی کروناویروس مقابله می‌کند. این گفتمان در تقابل با دگری از نوع پاندمی، تمام جامعهٔ انسانی را یک انسان می‌داند که با این دشمن دگرسازی می‌کند.

بایدن در قالب استعارهٔ ساختمان به دنبال بازسازی دو مؤلفه است، یکی طبقهٔ متوسط و دیگری اتحاد. او این دو را ساختمانی می‌داند که نیاز به بازسازی و بهترشدن دارند. این مفهومی است که دلالت ضمنی بر غیاب توجه به این مقوله‌ها دارد. بازسازی اتحاد به این دلیل است که وحدت نیرو است. رئیس جمهور آمریکا از استعارهٔ نیرو استفاده می‌کند تا وحدت را نماسازی کند و از رهگذر این استعاره آمریکا را محرک تمام جهان معرفی می‌کند. این دو نمونه‌هایی از کنار گذاشتن مرزهای دگرسازانه و حرکت به سوی یکپارچه‌سازی ملی هستند. ملت یکپارچه از دید این گفتمان به‌مثابهٔ گاردریلی است که از مسیر پرپیچ و خم دموکراسی حفاظت می‌کند. بنابراین، در قالب استعارهٔ مسیر هم بر دشواری‌های موجود در دستیابی به دموکراسی سخن گفته می‌شود و هم وحدت مسیری روشن برای رسیدن به اهدف معرفی می‌شود. این‌ها اهدافی جمعی هستند که برای همگان در نظر گرفته می‌شوند.

در این سخنرانی، استعارهٔ آتش در جهت توصیف ویران‌گری استفاده می‌شود. عصبانیت آتشی است که باید ساکت شود و سیاستی که نباید به آتشی مخرب تبدیل شود. این استعاره‌ای است که خشونت را نفی می‌کند و همگان را به دوستی دعوت می‌کند. از سوی دیگر، استعارهٔ رنگ در جهت کنارگذاشتن تفاوت‌ها استفاده می‌شود و فارغ از رنگ‌بندی با ملت صحبت می‌شود. این گفتمان از استعارهٔ گیاه در توصیف ویروس استفاده می‌کند؛ گیاهی که ریشه دارد و در حال گسترش است تنها با نیرویی قوی ریشه‌کن می‌شود و از سوی دیگر، استعارهٔ دست در مفهوم کمک یک نیروی واحد از تمام مردم را به تصویر می‌کشد. نهایتاً این‌که این گفتمان حقیقت را شیء فیزیکی می‌داند که قابلیت مورد دستکاری واقع‌شدن را دارد. در این‌جا تأکید بر این است که از دستکاری حقایق دوری شود؛ این مفهومی است که بر دستکاری حقیقت از سوی گفتمان پیشین دلالت دارد.

٤-٣. سطح کلان تحلیل

حال در این بخش باید به این پرسش پاسخ داد که آیا استعاره می‌تواند به خدمت نظریهٔ گفتمان درآید و فهمی از چگونگی فراچنگ‌آوری مبانی هویت‌پایه در اختیار تحلیل‌گر گفتمان

قرار دهد. در بیان لاکلا و موف (۲۰۰۱) گفتمانی به جایگاه اسطوره و تصور اجتماعی و تعریف مبانی هویتی خود دست پیدا می‌کند که خود را نماینده منافع همهٔ مردم یا دستکم اکثریت آن‌ها معرفی کند. در واقع، ساختار هژمون با به‌دست آوردن پشتیبانی همگانی و ایجاد فضای آرمانی دچار ازجاشدگی می‌شود. خلق فضای آرمانی عاری از جانبداری یکی از امکانات دسترسی به این جایگاه است. این امری است که در تحلیل استعاره‌های مفهومی دیده شد. بایدن از استعاره‌های **دموکراسی/ امید/ حقیقت/ عدالت انسان است** و **افراط‌گرایی/ برتری نژادی/ تروریسم/ چالش انسان است** استفاده می‌کند تا به دور از جانبداری‌های حزبی به ترسیم سامانهٔ نشانگانی خود دست بزند. او در استفاده از استعارهٔ رنگ، این اندیشه را کنار می‌گذارد و همگان را به اتحاد دعوت می‌کند.

آن‌گونه که بیان شد، لاکلا و موف (۲۰۰۱) بر این باور هستند که «هویت‌ها از راه گفتمانی ساخته می‌شوند که تعین‌گرا نبوده و هویت‌ها را به فراورده‌های روابط قدرت تقلیل نمی‌دهد». در تحلیل داده‌ها نیز دیده شد که هویت‌هایی مفهوم‌سازی می‌شوند که صرفا فراورده روابط قدرت نیستند و به روابط قدرت نیز تقلیل داده نشده‌اند. از جمله این موارد که تقلیل و فروکاسته نشده‌اند می‌توان از استعاره‌های مختلفی همچون ایکس ساختمان است، ایکس مسیر است و... نام برد. بایدن در تمام موارد هویتی را بازتولید می‌کند که از یک سو فراگیر و شامل و از سوی دیگر به دور از دگرسازی‌های صریح و آشکار است. از نظر این گفتمان وحدت و دموکراسی راه هستند و نیرویی که می‌توان از طریق آن به هدف رسید، نیروی یکی‌شدن است. این‌ها فضاهایی آرمانی هستند که با استعاره‌ها خلق می‌شوند تا با برجسته‌سازی غیاب‌شان در گفتمان پیشین، مقبولیت را برای نماینده گفتمان حاکم فراهم کنند. این گفتمان از طبقهٔ متوسط در قالب ساختمانی سخن می‌گوید که باید بازسازی شود. در این‌جا نیز با در نظر گرفتن منافع طبقهٔ متوسط و ضرورت توجه به آن‌ها، گام دیگری در نماسازی توجه به منافع همگانی برداشته می‌شود.

از رهگذر استعارهٔ نیرو، آمریکا به‌مثابهٔ نیرویی توصیف می‌شود که می‌تواند منافع جهانی داشته باشد؛ این استعاره نشانه‌ای می‌سازد که مقبولیتی بین‌المللی را برای این گفتمان خلق کند و در استعارهٔ کمک نیز همکاری جمعی مفهوم‌سازی می‌شود. نتیجه آن‌که هر یک از استعاره‌های مفهومی به‌کار رفته عاری از جانبداری حزبی، نژادی و قومیتی به کار می‌روند تا

دست به مشروعیت‌سازی از نمایندۀ گفتمانی بزنند که افزون بر این‌که خواستار متزلزل‌کردن ساختار گفتمان پیشین است، به دنبال تصرف جایگاه تصور اجتماعی است. استعاره‌ها ابزارهای معنایی هستند که در این مسیر به کمک این گفتمان آمده‌اند تا بخشی از فرایند ایجاد مقبولیت مردمی را برعهده بگیرند و فراچنگ‌آوری جایگاه اسطوره و تصور اجتماعی را ممکن سازند.

آن‌ها در تعریف نظریۀ گفتمان «نماد چیزی است که هر کدام از «ما» را غیرممکن می‌سازد». این تعریف را می‌توان در فرایندهای هویت‌سازی گفتمان بایدن نیز ملاحظه کرد. بایدن استعارۀ ایکس انسان است را به کار می‌گیرد، ملت را در قالب یک شخص مفهوم‌سازی می‌کنند تا «ما»یی دربرگیرنده و شامل تمام اعضا را تعریف کند و از سوی دیگر دگرهایی را به تصویر می‌کشد که نمی‌توان مصداق صریحی برای آن برشمرد. همزمان با اوج‌گیری ویروس کووید–۱۹، دگری از نوع تهدید و بیماری نام برده می‌شود و گروهی که همه در مقام مبارزه با یک دگر صریح به صف می‌شوند. بنابراین، آن‌چه لاکلا و موف (۲۰۰۱) از هویت و دگرسازی ضمنی می‌گویند، در قالب استعاره‌هایی ممکن می‌شود که مفهوم‌سازی‌های ملموس‌تری را با استفاده از موجودیت‌های عینی گیاه، آتش، ساختمان و رنگ انجام می‌دهند و از سوی دیگر راه را برای پذیرش همگان و عدم طرد مصادیق آشکار فراهم می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با دو هدف به‌هم پیوسته انجام شد. از یک سو آزمون یک چارچوب تلفیقی گفتمانی–شناختی مد نظر بود و از سوی دیگر، تحلیل یک گفتمان تازه‌هژمون‌شده و استفادۀ آن از ابزارهای کلامی در پیش گرفته شد. در سطح آزمون چارچوب نظری این یافته حاصل شد که استعاره با نگاشت‌هایی که انجام می‌دهد و با قراردادن مفاهیم انتزاعی در لباس موجودیت‌های عینی، به فرد این امکان را می‌دهد که دایره درون‌گروه و برون‌گروه خود را گسترده‌تر سازد. گفتمان‌ها از استعاره استفاده می‌کنند تا بیش از این‌که شخصیت یا گفتمان خاصی را هدف قرار دهند، اندیشه‌ها و الگوهای فکری را جذب یا طرد کنند. بر این اساس، استعاره در کنار نظریۀ گفتمان قرار می‌گیرد تا به چنگ آوردن جایگاه تصور اجتماعی را ممکن سازد. بایدن در سخنان خود با فرد خاصی دگرسازی نمی‌کند، او خشونت و افراطی‌گری را انسانی توصیف می‌کند که باید با او مقابله کرد اما از گروه و حزب و یا موجودیت مشخصی نام نمی‌برد و امید، عدالت و حقیقت را انسانی هدف‌مند می‌داند. این مفهوم‌سازی‌ها به همه

امکان می‌دهد که در دایرهٔ درون‌گروه این گفتمان جای بگیرند و گفتمانی را به تصویر بکشد که پذیرای تمام عدالت‌طلبان و حقیقت‌جویان است. وحدت و دموکراسی راهی هستند که همه برای حضور در این راه دعوت می‌شوند و آمریکا در قالب استعارهٔ انسان‌بودن وحدت عام را به همراه می‌آورد. در نتیجه، این گفتمان توانسته است با استفاده از استعاره‌های مفهومی مختلف خود را در کنار تمام ملت قرار دهد و با نماسازی انسانی ارزش‌ها و نفی رنگ‌ها خود را پیش‌برندهٔ منافع جمعی نشان دهد.

گفتمان دموکرات بایدن با ترسیم تصویری آرمان‌گرایانه و طالب منافع ملی مردم، دارای دغدغهٔ طبقات اجتماعی و خواستار فرونشاندن آتش خشم و نفرت، به دنبال اسطوره‌سازی گسترده‌تری است تا این بار نه تنها در میان پیروان و طرفداران دموکرات خود، بلکه در میان اکثریت مردم آمریکا به جایگاه تصور اجتماعی و اسطوره و هویت‌سازی از رهگذر خود مثبت دست پیدا کند. با وجود چنین جایگاهی است که این گفتمان می‌تواند بیش از پیش به متزلزل‌کردن گفتمان‌های رقیب دست بزند و خود را برای پیشروی وسیع‌تر در جهت تقویت جایگاه سیاسی‌اش تجهیز مردمی کند. این حرکتی است که در سخنرانی مراسم تحلیف آغاز شده است و باید دید که در دیگر نمودهای کلامی این گفتمان چه جلوه‌ای به خود خواهد گرفت.

در نگاهی تطبیقی با مطالعات پیشین و آن‌چه در پیشینه پژوهش بیان شد، باید گفت که هر یک از مطالعات انجام‌شده گامی موثر در جهت شناخت هرچه بیش‌تر ابعاد مختلف استعاره و پیوند آن با تحلیل گفتمان برداشته است. مطالعهٔ گفتمان بایدن در آئین تحلیف نخستین پژوهشی است که از نظرگاه استعاری و گفتمانی به سبک و سیاق بیان‌شده، انجام شده است و نمی‌توان پژوهشی را در این زمینه با آن مقایسه کرد اما از نظر رویکرد پژوهشی، مطالعات مختلف زمینه را برای دستیابی به امکان تلفیق نظرگاه‌های مختلف گفتمانی با نظام‌های معنایی زبان‌شناسی شناختی فراهم کرده‌اند. با اتکای بر مطالعات انجام‌شده، در این پژوهش برای نخستین بار استعاره در کنار نظرگاه لاکلا و موف (۲۰۰۱) قرار گرفت که یافته‌های آن موید امکان انجام چنین تلفیقی است.

کتاب‌نامه

۱. افخمی، علی و کامران شکیبا (۱۳۹۶). بازنمایی ایدئولوژیک مطبوعات انگلستان و ایـران با نگاه تحلیل انتقادی استعاره. *جستارهای زبانی*، ۸(۷).

۲. رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان انتقادی: نقش اسـتعاره در بازنمـایی و بازتولیـد ایدئولوژی در رسانه‌ها*. رسالهٔ دکتری تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۳. رضاپور، ابراهیم. و شیوا احمدی (۱۳۹۵). کارکردهای اسـتعاره دسـتوری اسـم‌سـازی در گفتمان سیاسی فارسی و انگلیسی: رویکرد ون‌دایک. *علم زبان*، ٤(٦).

٤. رضائی‌پناه، امیر و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۷). تحلیـل مـدارهای هویـت و دیگـری در اظهارات باراک اوبامـا و دونالـد ترامـپ پیرامـون برجـام. *دهمـین همـایش بـین‌المللـی زبان‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

۵. شوکتی مقرب، سمیه و جلال رحیمیان (۱۳۹۹). بازنمایی هویـت و غیریـت در نخسـتین سخنرانی رؤسای جمهور پـس از انتخابـات: مطالعـه مـوردی انتخابـات ایـران، آمریکـا، فرانسه. *زبان‌پژوهی*، ۱۲(٣٤).

٦. نیک‌ملکی، محمد و سیدنورالدین رضوی‌زاده (۱۳۹۹). بازنمایی چرخش گفتمانی قـدرت در ایران، تحلیل گفتمان انتقادی مراسم تنفیذ و تحلیف هفتمین رئـیس جمهـور منتخـب ایران در شبکه‌های خبری بین‌المللی. *فصلنامهٔ علوم خبری*، ۹ (٢٤)، صص. ۱۳–۷۸.

7. Afkhami A, and Shakiba K. 2018. Ideological representation of Iran & England's newspapers: A Critical Metaphor Analysis. *LRR*. 8 (7), 209-231, [In Persian].

8. Barnard-Wills, D. (2012). *Surveillance and Identity Discourse, Subjectivity and the State*. Burlington: Ashgate Publishing Company.

9. Charteris-Black, J. 2013. *Analysing Political Speeches: Rhetoric, Discourse and Metaphor*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.

10. Evans, V. and Green, M. 2006. *Cognitive Linguistics; An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.

11. Fairclough, N. (1996). *Language and Power*. 10th ed. (1st. 1989), Essex: Longman Group UK Limited.

12. Hart, C. 2010. *Critical Discourse Analysis and Cognitive Science: New Perspectives on Immigration Discourse*. New York: Palgrave Macmillan.

13. Hernández Vila, D. 2015. *Discourse and Identity in Barack Obama's First Inaugural Speech*. Undergraduate Dissertation 2014-2015. University of Alicante.
14. Howarth, D., and Stavrakakis, Y. 2000. Introducing Discourse Theory and Political Analysis, in *Discourse Theory and Political Analysis: Identities, Hegemonies and Social Change*. edited by David Howarth et al., Manchester and New York: Manchester University Press.
15. Jørgensen, M. W., and Phillips, L. J. 2002. *Discourse analysis as theory and method*. London: Sage.
16. Kövecses, Z. 2005. *Metaphor in culture: Universality and variation*. Cambridge: Cambridge University Press.
17. Kovecses, Z. 2010. *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.
18. Laclau, E. 1990. *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London and New York: Verso.
19. Laclau, E., and Mouffe, Ch. 2001. *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London and New York: Verso.
20. Lakoff, G., and Johnson, M. 1980. *Metaphors we live by*. University of Chicago press.
21. Montessori, Nicolina Montesano 2011. The Design of a Theoretical, Methodological, Analytical Framework to Analyse Hegemony in Discourse. *Critical Discourse Studies*, 8 (3).
22. Musolff, A. 2012. The study of metaphor as part of critical discourse analysis. *Critical discourse studies*, *9*(3), 301-310.
23. Núñez-Perucha, B. 2011. Critical Discourse Analysis and Cognitive Linguistics as tools for ideological research; A diachronic analysis of feminism. in *Critical Discourse Studies in Context and Cognition*. Edited by Christopher Hart. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
24. Sahragard, R. and Moghadam, M. 2015. Moving in a Gyre: A Discourse Analysis of President Rouhani's De Facto Inaugural Speech. *Studies in English Language Teaching*, Vol. 3, No. 3, PP: 237-251.
25. Sandor, C. 2002. A few aspects of cold war presidential inaugural discourse from a corpus linguistic point of view. *Modern filologiai Kozlemenyek*, IV, evofolyam, 2. szam.

پیوست (۱) ترجمهٔ مثال‌ها

۱. و در این لحظه دوستان من، دموکراسی چیره شده است.
۲. ما در مکانی ایستاده‌ایم، جاییکه چند روز پیش گروهی آشوبگر گمان کردند که با استفاده از خشونت می توانند خواست مردم را خاموش کنند، روند دموکراسی را متوقف کنند، و ما را از این مکان مقدس بیرون کنند.
۳. دموکراسی و حقیقت مورد حمله قرار گرفته‌اند.
٤. دموکراسی و امید، حقیقت و عدالت به پاس ما از بین نرفتند، بلکه رونق گرفتند.
۵. من به تاب‌آوری قانون اساسی و قدرت ملت‌مان یقین دارم.
٦. این ملت بزرگی است.
۷. ما می‌توانیم بر این ویروس مرگبار غلبه کنیم.
۸. ما باید سیاست را کنار بگذاریم و سرانجام به عنوان یک ملت، یک کشور با این همه‌گیری روبرو شویم.
۹. فریاد زمین نیز برای بقا بلند شده است.
۱۰. و اکنون باید با ظهور افراط‌گرایی سیاسی، برترپنداری نژاد سفید، و تروریسم خانگی مقابله کنیم و قطعاً آن را شکست خواهیم داد.
۱۱. برای مبارزه با دشمنانی که پیش رو داریم، خشم، کینه و نفرت، افراط‌گرایی، بی‌قانونی، خشونت، بیماری، بیکاری و ناامیدی، متحد شویم.
۱۲. و آمریکا بر این چالش غلبه کرد.
۱۳. می‌دانم نیروهایی که بین ما تفرقه ایجاد کرده‌اند عمیق و واقعی هستند.
١٤. آمریکا آزادی را در داخل کشور تضمین نمود و بار دیگر به چراغ امید برای جهانیان تبدیل شد.
۱۵. تضمین آینده کشور
١٦. آمریکا باری دیگر با آزمون دشواری مواجه بود. و آمریکا بر این چالش غلبه کرد.
۱۷. آمریکا به آزمون گذاشته شد، و در نتیجه قوی‌تر از گذشته شدیم.
۱۸. نقش آمریکا در جهان.
۱۹. من از قانون اساسی، از دموکراسی‌مان، و از آمریکا دفاع خواهم کرد.

۲۰. ما می‌توانیم طبقهٔ متوسط را دوباره بسازیم.
۲۱. ما ائتلاف‌های خود را در جهان اصلاح خواهیم کرد و بار دیگر در صحنه جهانی به تعامل خواهیم پرداخت.
۲۲. ما احتمالاً به سخت‌ترین و مرگبارترین مرحله همه‌گیری این ویروس نزدیک می‌شویم.
۲۳. با اتحاد می‌توانیم کارهای بزرگ و مهمی را به انجام برسانیم.
۲٤. می‌توانیم آمریکا را باری دیگر به یک نیروی پیشتاز و مثبت در جهان تبدیل کنیم.
۲۵. و شاید حافظ دموکراسی ما نیروی عظیم ملت‌مان باشد.
۲٦. وحدت مسیر پیش روی ما است.
۲۷. می‌توانیم به یکدیگر بپیوندیم، فریادها را متوقف کنیم، و تنش‌ها را کاهش دهیم.
۲۸. سیاست نباید به منزلهٔ آتش خشمگینی باشد که همه چیز را در مسیر خود نابود می‌کند.
۲۹. ویروسی که در هر قرن یک بار بی صدا شیوع پیدا کرده و کشور را فراگرفته است، و بیش از جنگ جهانی دوم موجب از دست رفتن جان بسیاری شده است.
۳۰. هر اختلاف نظری نباید به جنگ بیانجامد. ما باید فرهنگی را رد کنیم که در آن واقعیت‌ها دستکاری و یا حتی ساخته می‌شوند.
۳۱. روزهایی خواهند بود که نیاز به دست یاری خواهید داشت. روزهایی خواهند بود که شما دست یاری به دیگری خواهید داد.
۳۲. ما باید به این جنگ غیرمدنی پایان دهیم؛ جنگی که بین جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها؛ روستاها و شهرها؛ محافظه‌کاران و لیبرال‌ها شکاف ایجاد کرده است.

Investigating the manner of drawing the identity-based foundations in Joe Biden's presidential inaugural speech through conceptual metaphors

Somaye Shokati Moqarab[1]
PhD candidate in Linguistics, Shiraz University, Shiraz, Iran

Jalal Rahimian
Professor, Department of Linguistics, Shiraz University, Shiraz, Iran

Received:02/04/2022 Accepted: 08/05/2022

Abstract

This study is about to find how conceptual metaphors help in drawing identity borders and attaining legitimacy. So, the semantic system of conceptual metaphor (Kováces, 2010) and the components of myth and social imagination (derived from Laclau and Mouffe's discourse theory, 2001) make the theoretical framework of the research to find how the semantic system affect reaching general legitimation. To answer the research question, Joe Biden's speech in his inaugural ceremony in 20 Jan. 2021 is used as the case study. Based on the findings, metaphor provides a cognitive framework for expressing ideological ideas. Each metaphor in this discourse foregrounds a concept and backgrounds the alternative ones. The president conceptualizes the USA as "America is human" metaphor to accompany the nation, and avoid the party-based views. As a result, metaphor is a tool for avoiding clear border-makings, foregrounding concepts, and representing different views according to conceptual domains. Though using metaphor, discourses can turn to a discourse having the least out groups and the most in groups in a country. Therefore, conceptual metaphor provides a base for creating an ideal space for myth-making. Through such tools, Biden tried to capture a discourse trying to attract the attention of the most and avoid rejecting the potential groups.

Key words: Discourse analysis; articulation; legitimacy; conceptual metaphors, Joe Biden, Inauguration.

1- s.shokati@shirazu.ac.ir